مدرسة الامام امیر المؤمنین علیه السلام
ماهنامه بلیغ | سال دوم | شماره چهارم | اردیبهشت ماه ۱۳۹۵
WWW.MAKAREM.IR

بلیغ

۴

- پاسخ به شبهات مطرح شده در مورد قرآن
- تأمّلی بر دکترین اجتماعی امام جواد (علیه السلام)
- دلایلی بر نبوّت حضرت محمّد (صلی الله علیه و آله و سلم)
- مروری بر احکام بانکداری
- آشنایی با مدرسه علمیه امام حسن مجتبی (علیه السلام)

پرونده ویژه: اصول اساسی حکومت اسلامی

پرونده ویژه: اقتصاد مقاومتی

بسم الله الرحمن الرحیم

۳

بلیغ

ماهنامه الکترونیکی خبری-تحلیلی بلیغ

سال دوم|شماره چهارم|اردیبهشت ماه ۱۳۹۵

۲ فهرست

۳ طلیعه‌سخن

۴ پیام ها و بیانات

۶ دیدارها

۸ دروس خارج فقه

۱۰ فن آوری اطلاعات

۱۲ یادداشت

۲۲ پرونده ویژه

۲۸ مقاله

۳۸ معرفی کتاب

۳۹ موسسات وابسته

۴۱ معارف اسلامی

۴۴ سؤالات شرعی

MAKAREM.IR

صاحب امتیاز: پایگاه اطلاع رسانی دفتر حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی (مدظله العالی)

نشانی: قم، خیابان شهداء، کوی ممتاز، کوچه شماره ۷، پلاک ۳۶

وبگاه: makarem.ir

پست الکترونیک: info@makarem.ir

تلفن: ۰۲۵۳۷۷۴۲۸۱۹-۳۷۷۴۳۳۳۱

نمابر: ۰۲۵۳۷۸۳۹۹۳۴

طلیعه‌سخن

در عصری به سر می بریم که قدرت های استکباری با آموزه های تکفیری و با ابزاری به نام گروه های تروریستی تکفیری به صورت مستمر بر آتش اختلاف و تفرقه در جهان اسلام می دمند و علیرغم اهتمام نخبگان و اندیشمندان و علمای اسلامی بر مقولهٔ وحدت ، لیکن منفعت جویی و قدرت طلبی برخی رژیم های مرتجع عربی، مجالی برای تحقق وحدت در امت اسلامی باقی نگذاشته است که تداوم این وضعیت بغرنج باید همهٔ علمای مذاهب اسلامی را به سوی بازتولید معارف اسلامی رهنمون نماید که بازنشر آموزه های وحدت گرایانه در مکتب فکری حضرت علی (علیه السلام) و نیز بهره گیری از سیرهٔ نبوی (صلی الله علیه و آله) در انسجام امت اسلامی، در برون رفت از وضعیت نابسامان کنونی موثر واقع خواهد گردید.

با تأمل در سیرهٔ حضرت علی (علیه السلام) می توان به فور آموزه های وحدت محور را مشاهده نمود که وجود این موارد، خود حاکی از عمق استراتژیک مسأله تقریب مذاهب اسلامی در سیرهٔ امامان معصومین(علیهم السلام) و آموزه های شیعی است، حال باید با طرح این پرسش ها از تفرقه افکنان تشیع انگلیسی و تسنن آمریکایی آنها را به چالش کشاند که به راستی مگر نه این است که تعابیری از حضرت علی (علیه السلام) همچون«الزموا الجماعه و اجتنبوا الفرقه؛ به وحدت و اجتماع رو آورید و از تفرقه و اختلاف دوری گزینید» و«الخلاف یهدم الرای؛ اختلاف، رأی صحیح را ویران می‌سازد. » در ضرورت برپایی اتحاد میان امت اسلامی و ضرورت صیانت از اسلام منبعث از بعثت پیامبر(صلی الله علیه و آله) و لزوم اجتناب از اختلاف و تفرقه صادر شده است.

مگر نه این است که در موارد متعدد از بیانات نورانی آن حضرت در بیان نقش کلیدی وحدت و تفرقه در تعالی و سقوط امت ها، ایجاد الفت و اتحاد به عنوان مهمترین شاخصهٔ وجودی بعثت و نبوت پیامبر (صلی الله علیه وآله) مورد تأکید قرار گرفته است؟ لذا آن حضرت اینچنین فرمودند:« خداوند به وسیلهٔ پیامبر(صلی الله علیه وآله) گسیختگی ها را التیام داد و فاصله ها را پیوستگی بخشید و بین مردم یگانگی برقرار ساخت».

لذا باید گفت در این میان توفیق وحدت و هدایت برای جوامع بشری به عنوان مهمترین خیرات و برکات ماه رجب همزمان با میلاد پرخیر و برکت امام علی (علیه السلام) و شکوه رسالت پیامبر در مبعث مورد نظر است .

بی تردید وحدت و هدایت امت اسلامی با بهره گیری از آموزه های نبوی و ره یافت های علوی امکان پذیر خواهد بود، لیکن تحقق این مهم نیازمند بهره گیری از مولّفه های معنوی هم چون فریضهٔ اعتکاف است که همزمان با میلاد پرخیر و برکت مولی الموحدین امیرالمومنین علی (علیه السلام) به عنوان سیرهٔ عملی ائمهٔ اطهار(علیهم السلام) در تقویت خودسازی و احیاء فضای معنوی جامعه از جایگاه ممتازی برخوردار است.

بدین ترتیب باید گفت از آنجا که هدف از آفرینش عالم و آدم هدایت است و انسان نیز به شدت به دنبال دست یابی به این حلقهٔ مفقودهٔ الهی است، از این رو شناخت چیستی فلسفهٔ بعثت پیامبر(صلی الله علیه وآله) به عنوان یکی از پربرکت ترین خیرات و برکات آسمانی به عنوان روز تجلی رحمت، می تواند در وحدت امت اسلامی و هدایت پذیری انسان ها و کارآمدی هر چه بیشتر مقوله های فرهنگی،دینی و اسلامی درجامعهٔ اسلامی موثر واقع گردد.

اینگونه است که آن حضرت علی (علیه السلام) بنابر تصریح خودشان، برای تحقق وحدت اسلامی و استیفای مصلحت امت اسلامی از هر گونه اقدام عملی و تشنج زا برای بازپس گیری حقوق از دست رفته خود چشم پوشی نمود و حتی در عمل نیز در راستای مماشات و همکاری فکری و اداری برای تصحیح نظام حاکم پرداخت.

اگر چه آن حضرت به دفعات و با بیانات متعدد بر شایستگی خود برای مقام خلافت تأکید نمود لیکن سعی و تلاش آن حضرت در جهت صیانت از اسلام نبوی (صلی الله علیه وآله) و اهداف بعثت پیامبر اعظم(صلی الله علیه وآله) متمرکز گردید، لذا رسالت وحدت طلبی و حفظ کلیت نظام اسلامی به عنوان مهمترین دغدغه سیرهٔ عملی حضرت علی (علیه السلام) معطوف گردید.

حفظ وحدت و امنیت اجتماعی مؤمنان و نوع برخورد آن حضرت با رعایا و مخالفان وتلاش های گستردهٔ آن حضرت در همبستگی بیشتر جامعه، همه و همه نشان دهندهٔ اهتمام حضرت علی (علیه السلام) در تحقق وحدت گرایی است که حصول این مهم را می توان در این فراز ارزشمند از آن حضرت مشاهده نمود که فرمود:«صلح و سازش را مادامی که منجر به سستی پایه های اسلام نشود، سودمندتر از جنگ و خونریزی یافته ام» .

از این رو باید دانست ایجاد تفرقه و اختلافات مذهبی یقیناً به سستی و انهدام ظرفیت های بی بدیل امت اسلامی منتهی خواهد شد لذا به عینه می توان دریافت غفلت از وحدت اسلامی و مبانی فکری پیامبر اعظم (صلی الله علیه وآله) در روز بعثت و آموزه های امامان معصومین (علیهم السلام) به ویژه آموزه های وحدت بخش حضرت علی (علیه السلام) در امر تقریب مذاهب اسلامی، پیامدهای مختلفی برای ممالک اسلامی به همراه داشته است که نمونه های تلخ و بغرنج آن را می توان در هم نوایی برخی دولت های به ظاهر اسلامی با آمریکا در کشتار مردم مظلوم سوریه، عراق، فلسطین،یمن و بحرین...مشاهده کرد.

حال در میلاد با سعادت حضرت علی (علیه السلام) و بعثت پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله)، در ماه پرخیر و برکت رجب ، نخبگان و اندیشمندان مذاهب اسلامی و نیز دولت های اسلامی با تأسی از آموزه های پیامبر رحمت و سیرهٔ امام علی (علیه السلام) باید بر تئوری وحدت برای هدایت فراگیر امت اسلامی تأکید ورزند و بیش از پیش در راستای تحقق مبانی فکری رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) و امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) ، در تحقق اتحاد اسلامی و مقابلهٔ موثر با تفرقه افکنان و مواجههٔ قاطع با قدرت های استکباری و قطع شریان های حیاتی دولت استکباری آمریکا در منطقه و نیز حمایت قاطع از جریان مقاومت و مقابله موثر و عینی با رژیم اشغالگر قدس و گروه های تروریستی تکفیری اقدام نمایند.

بلیغ / اردیبهشت ماه ۱۳۹۵ | WWW.MAKAREM.IR | ۲

پیام ها و بیانات

پیام تسلیت معظّم له به مناسبت رحلت حجت الاســـلام و المسلمین حاج سید جواد الوداعی رحمه الله علیه

این عالم ربانـــی در طول عمر با برکت خـــود همـــکاری نزدیکـــی بـــا علمای بـــزرگ دیگر بحرین در مســـیر احقاق حقوق مســـلم مردم آن کشـــور داشت و مجاهدتهای ایشـــان فراموش ناشدنی است.

۱۳۹۵/۰۱/۰۷

غربی ها قابل اعتماد نیستند

تا به ملت خود تکیه نکنیم مشـــکلات حل نخواهد شد، ما نمی گوییم مذاکره و تعامل نکنیم، اما توجه داشـــته باشید کـــه آنها قابل اعتماد نیســـتند، تا روی پای خود نایســـتیم مشکلات مان حل نمی شود.

۱۳۹۵/۰۱/۱۸

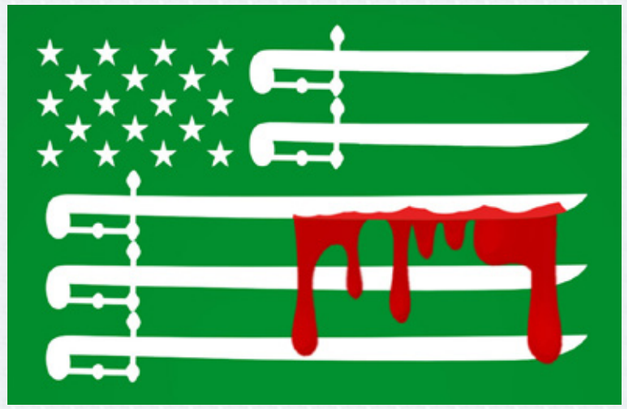

ایران در خط مقدم مبارزه با تروریســـم است

عربستان و وهابیت سرچشمه خونریزی، قتل و تکفیر اســـت، در عراق و سوریه ما در خط نخست مبارزه با تروریسم و افراطی ها هســـتیم، هیچ گروهی مثل ما با تروریســـم و خشـــونت ها مبارزه نمی کند، بعد ما را متهم به حمایت از تروریسم می کنند.

۱۳۹۵/۰۱/۲۵

دیدارها

دیدار با جمعی از اندیشمندان فرانسوی

ریشه کنی تکفیر نیازمند عزم جدی نخبگان جهان اسلام است

آنچه در رسانه های غربی از ایران و انقلاب ایران منتشر می شود، با آنچه که شما غربی ها با چشم خود می بینید متفاوت است؛ ایران را نباید از رسانه های اسلام ستیز و ایران ستیز شناخت

۱۳۹۵/۰۱/۱۹

دیدار با سرپرست شرکت مخابرات ایران

ضرورت مقابله با سوء استفاده از ابزار مخابراتی

هنوز در برخی مسائل و تکنولوژی ها نیاز به خارجی ها داریم، و عیب این نیازمندی و عدم خودکفایی این است که اگر طرف مقابل اهداف و برنامه های ما را مخالف با اهداف خود ببیند از دادن امکانات امتناع می ورزد؛ و اکنون بسیاری از این امکانات مهم در دست برخی از دولت های نظام سلطه همانند آمریکا، فرانسه و انگلیس است و وظیفه ما خودکفایی و اتکاء به نیرو و توان داخلی می باشد

۱۳۹۵/۰۱/۱۲

جشن میلاد حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها و مراسم عمامه گذاری توسط معظّم له

جمعی از طلاب اندونزیایی

ستاد اعتکاف

دکتر محسن رضایی در دیدار با معظّم له

طلاب مدرسه علمیه باقرالعلوم علیه السلام شهرستان راز و جرگلان استان خراسان شمالی

طلاب مدرسه تخصصی فقه و اصول امام کاظم علیه السلام

دروس خارج فقه

کتاب المضاربه - جلسه صدم

موضوع: معامله ی نسیه در مضاربه امام قدس سره در مسأله ی سی و ششم از مسائل مضاربه در مورد معامله ی نسیه سخن می گوید و آن اینکه اگر عامل به اذن مالک چنین معامله ای را انجام دهد طلبکار باید برای طلب خود به سراغ عامل رود یا مالک یا هر دو.

۱۳۹۵/۰۱/۰۷

***

کتاب المضاربه - جلسه صد و یکم

موضوع: اضافه کردن سرمایه در مضاربه؛ بحث در مسأله ی سی و هفتم از مسائل مربوط به مضاربه است.

۱۳۹۵/۰۱/۰۸

***

کتاب المضاربه - جلسه صد و دوم

موضوع: مبلغی جدید در مضاربه و مضاربه با دو شریک؛ بحث در مسأله ی سی و هفتم از مسائل مربوط به مضاربه است و آن اینکه اگر مالک به عامل مبلغی را برای مضاربه بدهد و وقتی عامل مشغول به کار شد، در اثناء کار مبلغ دیگری را به او بدهد مبلغ دوم در حکم مضاربه ای مستقل است و در واقع دو مضاربه انجام شده است.

۱۳۹۵/۰۱/۰۹

***

کتاب المضاربه - جلسه صد و سوم

موضوع: تنازع مالک و عامل در مقدار رأس المال و سود؛ بحث در مسأله ی سی و نهم از مسائل مربوط به مضاربه می باشد و این اولین مسأله از مسائل تنازع می باشد. علماء غالبا در خاتمه ی هر باب مسائل مربوط به تنازع را مطرح می کنند. امام قدس سره نیز در اینجا نه مسأله را در مورد تنازع بیان می کند.

۱۳۹۵/۰۱/۱۰

کتاب المضاربه - جلسه صد و چهارم

موضوع: تنازع مالک و عامل در مقدار سرمایه و ربح؛ بحث در مسأله ی سی و نهم از مسائل مربوط به مضاربه است. در میان فقهاء مرسوم است در آخر کتب فقهیه مسائل مربوط به تنازع را مطرح می کنند. امام قدس سره نیز همین کار را انجام داده است. این مسأله را صاحب عروه و دیگران بحث کرده اند. امام قدس سره نه مسأله ی در مورد تنازع را مطرح می کند و مسأله ی محل بحث اولین مسأله از این دسته می باشد.

۱۳۹۵/۰۱/۱۴

***

کتاب المضاربه - جلسه صد و پنجم

موضوع: ادعای تلف و خسارت توسط عامل؛ بحث در مسأله ی چهلم از مسائل مربوط به مضاربه است. این مسأله، دومین مسأله از مسائل تنازع بین عامل و مالک می باشد.

۱۳۹۵/۰۱/۱۵

***

کتاب المضاربه - جلسه صد و ششم

موضوع: اختلاف در ربح؛ بحث در مسأله ی چهل و یکم از مسائل مربوط به مضاربه است. این مسأله سومین مسأله از مسائل مربوط به نزاع بین عامل و مالک می باشد.

۱۳۹۵/۰۱/۱۶

***

کتاب المضاربه - جلسه صد و هفتم

موضوع: نزاع مالک و عامل در مقدار سود؛ بحث در مسأله ی چهل و دوم از مسائل مربوط به مضاربه است و این مسأله چهارمین مسأله ای است که در مورد اختلاف بین عامل و مالک مطرح می شود. این مسأله در مورد اختلاف مالک و عامل در مورد نصیب عامل است به این گونه که مالک مثلا مدعی است که سهم عامل ثلث است و عامل نیز در مقابل، سهم خود را نصف می داند.

۱۳۹۵/۰۱/۱۷

***

کتاب المضاربه - جلسه صد و هشتم

موضوع: بحث اخلاقی: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در حدیثی می فرماید: آفةُ الدّین ثلاثةُ فقیه فاجر و إمام جائر و مجتهد جاهل فقیه معنای لغوی دارد یعنی دانشمندانی که به فکر منافع خودشان هستند اعم از دانشمند دینی و غیر دینی. فقیه از ماده ی فقه است و فقه به معنای فهم می باشد یعنی کسی که دانشمند است و فاجر است یعنی به دنبال منافع شخصی خودش است و کار به سرنوشت جامعه ندارند. اینها یکی از آفات مهم دینی هستند زیرا هر کجا که مسائل دینی با منافع آنها در تضاد بود آن را نادیده گرفته و یا تحریف می کنند. امام جائر که همان پیشوایان و حاکمان ظالم و ستمگر است به نفع حکومت شخصی خود هستند و مخالفان را کنار می زنند. در طول تاریخ پادشاهانی بودند که فرزندان، برادران و نزدیکان خود را از بین بردند. داستان مأمون و امین یک نمونه از آنها است. سومین آفت، مجتهد است که همان زحمت کشانی هستند که جاهل می باشند. اینها نیز آفت دین به حساب می آیند و چون جاهل هستند و در مسیر دین قرار ندارند.

۱۳۹۵/۰۱/۱۸

***

کتاب المضاربه - جلسه صد و نهم

موضوع: اختلاف مالک و عامل در رد مال مسألهٔ ۴۴ لو ادعی (اگر عامل ادعا کند) ردّ المال إلی المالک (که مضاربه تمام شد و سرمایه را به مالک تحویل داده است.) و أنکره (و مالک آن را انکار کند) قُدّم قول المنکر (یعنی قول مالک که منکر است مقدم می شود).

۱۳۹۵/۰۱/۲۱

***

کتاب المضاربه - جلسه صد و دهم

موضوع: موردی دیگر از اختلاف بین عامل و مالک بحث در مسأله ی چهل و پنجم از مسائل مربوط به مضاربه است. این مسأله حاوی دو فرع است.

۱۳۹۵/۰۱/۲۲

کتاب المضاربه - جلسه صد و یازدهم

موضوع: قاعده ی « ما لا یُقبَل الا من قِبَلِه» بحث در مسأله ی چهل و پنجم از مسائل مربوط به مضاربه است و آن اینکه گفتیم اگر معامله ای سودی حاصل شود عامل می گوید که آن را به نیّت خودم انجام داده ام و در نتیجه سود مال او می شود و اگر ضرر کند می گوید که به نیّت مضاربه انجام داده ام و در نتیجه خسارت دامن مالک را می گیرد.

۱۳۹۵/۰۱/۲۴

کتاب المضاربه - جلسه صد و دوازدهم

موضوع: بحث اخلاقی: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می فرماید: آیهٔ المنافق ثلاث، إذا حدّث کذب و إذا وعد أخلف و إذا ائتمن خان. یعنی نشانه ی فرد منافق سه چیز است: اگر سخن می گوید دروغ می گوید و و وقتی وعده می دهد، خلف وعده می کند و وقتی که امانتی به او می سپرند در آن خیانت می کند.

۱۳۹۵/۰۱/۲۵

***

کتاب المضاربه - جلسه صد و سیزدهم

موضوع: اختلاف در قرض یا مضاربه بودن بحث در مسأله ی چهل و ششم از مسائل مربوط به مضاربه است. این مسأله نیز در مورد اختلاف بین مالک و عامل می باشد. این مسأله حاوی دو فرع است.

۱۳۹۵/۰۱/۲۸

***

کتاب المضاربه - جلسه صد و پانزدهم

موضوع: بحث در ادامه ی مباحث مربوط به مسأله ی ۴۶ از مسائل مضاربه است. در خاتمه ی این مسأله در مورد تحالف بحث کردیم و اکنون آن را ادامه می دهیم زیرا این مسأله در موارد مختلف فقهی کاربرد دارد و غالبا کمتر از آن سخن به میان آمده است.

۱۳۹۵/۰۱/۳۰

***

کتاب المضاربه - جلسه صد و شانزدهم

موضوع: بحث در مسأله ی چهل و هفتم از مسائل مربوط به مضاربه است. در این مسأله آخرین نوع از نزاع بین مالک و عامل مطرح می شود و آن اینکه مالک ادعا می کند که معامله به شکل بضاعت بوده و در نتیجه تمام منافع مال اوست و عامل ادعای مضاربه می کند و در نتیجه سود باید تقسیم شود.

۱۳۹۵/۰۱/۳۱

رونمایی از پایگاه تخصصی نقد وهابیت توسط آیت الله العظمی مکارم شیرازی مد ظله

در آخرین روزهای سال ۱۳۹۴ پایگاه تخصصی نقد وهابیت وابسته به مؤسسه دارالاعلام لمدرسه اهل البیت علیهم السلام که از موسسات وابسته به دفتر معظم له می باشد رونمائی شد.

این سایت به آدرس

http://alwahabiyah.com

می باشد و از مهم ترین بخش های آن می توان به مقالات، کتابخانه، پایان نامه ها، پرسش و پاسخ، اسناد، ویژه نامه، مجلات، نگارخانه و اخبار اشاره نمود.

تأملی در سیره و سلوک اخلاقی امام باقر علیه السلام از منظر معظم له

بی شک بیشترین احادیث شیعه که بالغ بر ده ها هزار حدیث می شود از پنجمین و ششمین امام، یعنی محمد بن علی الباقر، و جعفر بن محمد الصادق علیهما السلام نقل شده است، و این به خاطر آن است که این بزرگواران در شرایطی از زمان و مکان بودند که فشار دشمنان و حکام بنی امیه و بنی عباس بر آنها کمتر بود، به همین دلیل توانستند احادیث زیادی که از رسول خدا صلی الله علیه و آله به وسیله پدران و اجدادشان به آنها رسیده بود، در تمام ابواب معارف و احکام فقه اسلام از خود به یادگار بگذارند.

هر چند خلفای جور تلاش می کردند مردم را از دانش اهل بیت علیهم السلام بی بهره سازند و خلفای اموی و عباسی با تنگناهایی که برای امامان اهل بیت علیهم السلام ایجاد می کردند، فرصت کافی را برای ترویج دین و پرورش شاگردان این مکتب به آنان نمی دادند، اما در همان فرصت های به دست آمده به ویژه در عصر امام باقر و امام صادق علیهما السلام تعداد زیادی از طالبان دین و دانش از مکتب آن بزرگواران بهره ها گرفته اند.

باید اذعان نمود از آنجا که در اسلام افراد و جوامع انسانی باید از ارزش های اخلاقی الگو بگیرند و تابع آن باشند نه این که اخلاق تابع خواست آنها باشد! لذا انسان باید نظر کند که چه علمی را از چه منبعی دریافت می کند، همانگونه که از امام باقر علیه السلام در ذیل قول خداوند تعالی: «فلینظر الانسان الی طعامه»: «پس باید نظر کند انسان به سوی طعام خود» آمده است؛ «فلینظر الانسان الی علمه الذی یأخذه عن من یاخذه» «باید انسان نظر کند به علمی که اخذ می کند و متوجه باشد که از چه کسی دریافت می کند»، یعنی مراد از طعام، علم است که طعام روح می‌باشد و این طعام جای تأمل و دقت دارد که از چه کسی و چه منبعی دریافت می شود.

بدین ترتیب باید گفت بعد از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، امامان معصوم علیهم السلام به گواهی روایات اخلاقی گسترده ای که از آنان نقل شده، بزرگترین معلمان اخلاق بودند؛ که در مکتب آنها مردان برجسته ای که هر کدام از آنها یکی از معلمان عصر خود بودند، پرورش یافتند.

زندگانی پیشوایان معصوم علیهم السلام و یاران با فضیلت آنان، گواه روشنی بر موقعیت اخلاقی و فضائل آنها می باشد. به عنوان نمونه «حذیفهٔ بن منصور» که از یاران امام باقر و امام صادق و امام کاظم علیهم السلام بود و درباره او گفته شده: «او علم را از این بزرگواران اخذ کرده و نبوغ خود را در مکارم اخلاق و تهذیب نفس نشان داد.»

لذا مطابق حدیث شریفی که از امام باقر علیه السلام به صفات شیعیان اشاره نموده است خصوصیات اخلاقی هم چون تواضع در برابر مردم، خشوع در مقابل پروردگار ، بسیار به یاد خدا بودن، نماز و روزه را به موقع و با آدابش انجام دادن، نیکی به پدر و مادر، سرکشی کردن از همسایگان، راستی در سخن، تلاوت قرآن، دوری از غیبت و تهمت... به عنوان برخی از ویژگی های اخلاقی در میان شیعیان مورد توجه قرار گرفته است .

شفاعت اهل بیت علیهم السلام در گرو اقدام و عمل در «ورع»

گفتنی است در هیچ زمانی عوامل گناه به اندازه عصر حاضر نبوده است؛ در زمان ما شیاطین همه جا پراکنده اند، سایت ها، ماهواره ها، موبایل ها، کتاب ها، مجلاّت و... عوامل مخرب و غذای شبهه ناک هم زیاد است، معاملات مشکوک، ربا، رشوه خواری ها و... و اسباب آلودگی به مال حرام هم زیاد است. در چنین شرایطی باید ایمان و تقوی قوی تر شود، مجالس تبلیغاتی قوی تر شود و باید از تمام عوامل بازدارنده و آنچه ممکن است مؤثّر واقع شود استفاده نمود.

حریز بن عبدالله از فضیل بن یسار نقل می کند که امام باقر(علیه السلام) فرمود: ای فضیل سلام مرا به شیعیانم برسان و به آنها بگو که من می گویم من نمی توانم از آنها در نزد خدا شفاعت کنم مگر با ورع، پس زبانتان را حفظ کنید و دستانتان را (از آزار دیگران) باز دارید و صابر باشید و نماز را بپا دارید زیرا خداوند با صابران است.

مطابق روایت ، امام باقر علیه السلام می فرماید ما افرادی را شفاعت می کنیم که با ورع باشند. اما به راستی ورع به چه معنی است؟

در تشریح این مسأله باید گفت مقام ورع از تقوا بالاتر است، چون ورع بعد از کامل شدن تقواست. ورع حقیقی آن است که انسان به مقامی برسد که گناه را ترک کند. برخی نسبت به رعایت مکروهات و مستحبات مقیدند ولی نسبت به ترک محرمات، مانند غیبت، حسد، ریاکاری و ... بی اعتنا هستند. گاهی یک نگاه آلوده و غلط سر از کفر و نابودی انسان درمی آورد.

به تعبیر دیگر ورع حالتی است که باعث بازداشتن از ارتکاب گناهان می شود، می توان این مسأله را به این صورت تشبیه کرد که جاده معصیت برای بعضی صاف و هموار است و بی هیچ مانعی آن را طی می کنند اما عده ای در این مسیر با موانعی مواجه می شوند. مثلا سیم خاردار، دره، سنگلاخ و ... می بینند که طی طریق را برای آنان دشوار می سازد و مانع سیر آنان می شود، ورع نیز نظیر همین موانع، آدمی را از گناه بازمی دارد.

به عبارت دیگر، در جاده معصیت، خود را مواجه با موانع دیدن و نیرویی که انسان را به عقب می کشد. به این حالت، ورع و عدالت گفته می شود.

در ادامه، آن حضرت ورع را در حفظ زبان و دست، صبر و نماز خلاصه می فرماید چرا که سخن از ورع بود و صبر و صلوت اشاره به نماز و روزه است چون هم روزه و هم نماز باز دارنده است که سپری در مقابل آتش و گناه است.

متأسفانه بعضی برای خودشان مصونیت های خیالی قائلند و خیال می کنند که همین که در مسلک شیعیان هستند و اظهار محبّت و دوستی می کنند مصونیّت از عذاب دارند و ائمه علیهم السلام آنها را شفاعت می کنند. لیکن امام باقر(علیه السلام) می فرماید؛ درست است که ما از شما شفاعت می کنیم و در مواقف در کنار شما هستیم ولی شرط آن ورع است.

هم چنین در روایت دیگر، امام محمد باقر علیه السلام به جابر می فرمایند:«ای جابر! محبت ما اهل‌بیت به تنهایی کافی نیست؛ به خدا قسم شیعه ما کسی است که تقوی و اطاعت داشته باشد». تا آنجا که می فرمایند: «به خدا قسم تنها با عمل و پرهیزکاری است که می‌توان به ولایت ما رسید».

محبت؛ اساس و بنیاد دین

بی تردید اساس دین ، محبت است زیرا انگیزه عمل به دستورات الهی، عشق و محبت به خداوند است.

گاه استدلال عقلی انگیزه انسان برای انجام کاری می شود؛ و گاه عشق و محبت، او را وادار به کاری می کند. آیا این دو انگیزه یکسان هستند؟

به عنوان نمونه خداوند برای بقاء نسل بشر علاقه ای بین زن و مرد ایجاد کرد تا نسل بشر ادامه یابد؛ حال اگر قرار بود منطق و استدلال عقلی انگیزه انسان برای بقاء نسل باشد، مثل این که بگوید:«برای بقاء نسل باید ازدواج کرد و فرزندانی به وجود آورد و تمام زحمت ها و ناراحتی های آن را تحمل کرد» یا بگوید: «چون در پیری و ناتوانی عصای دستی لازم دارم و کسی را می خواهم که مرا کمک کند و حمایتم نماید، پس به ناچار باید ازدواج کنم و فرزندانی داشته باشم.» حال از هر ۱۰۰ نفر چند نفر حاضر به ازدواج و تحمل سختی ها و ناکامی ها و مشکلات فراوان زندگی مشترک و بچه دار شدن می شد؟

لذا عشق و محبت و جاذبه غریزی، انسان ها را به سمت ازدواج با همه مشکلاتش سوق می دهد؛ به گونه ای که آنها عاشقانه تمام سختی ها را به جان می خرند؛ بلکه تمام عمرشان را به پای فرزندشان می ریزند تا نوزادشان کم‌کم بزرگ شود و راه رفتن بیاموزد، و سخن بگوید. آری،انگیزه عشق و محبت این قدرت و قوت عجیب و خیره کننده را دارد.

اینگونه است که در روایت نورانی از امام باقر علیه السلام می خوانیم:«الدّین هو الحب و الحب هو الدّین» ؛دین محبت است و محبت دین است.

در روایت فوق بر عشق و محبت تأکید شده، نه بر راه پرسنگلاخ برهان منطقی و استدلال های عقلی، تا آدمی زودتر به سر منزل مقصود برسد. اگر عاشق شدی خود به خود به سوی اطاعت الهی گام برمی داری، و مشکلات آن را به جان می خری. اگر عاشق امام زمان شدی اطاعت اوامرش و مبارزه با فساد و منکرات، کاری بس آسان خواهد بود. آری، عشق و محبت کارها را سهل می کند. حال آیا دین و آئینی که انگیزه حرکت پیروانش محبت و عشق است، و تمام دینش را محبت و عشق معرفی می کند، آئین خشونت است؟

اظهار محبت؛ عامل کلیدی در ریزش گناهان

ابوعبیده از اصحاب امام باقر علیه السلام می گوید: همراه امام باقر علیه السلام بودم و من (به جهت احترام) پیش از ایشان سوار شدم سپس ایشان سوار شدند زمانی که هم ردیف هم قرار گرفتیم حضرت سلام و احوالپرسی کرد همانند کسانی که تازه به هم می رسند و در وقت پیاده شدن پیش از من پیاده شدند و وقتی من هم پیاده شدم و هر دو بر زمین قرار گرفتیم سلام و احوالپرسی کرد همانند کسانی که تازه به هم رسیده اند (راوی می گوید من از این حرکت امام تعجّب کردم و) عرض کردم: یابن رسول الله کاری کردید که کسانی که پیش ما هستند چنین برنامه ای ندارند و اگر یک بار هم احوالپرسی کنند زیاد است حضرت فرمود: آیا نمی دانی مصافحه و دست دادن چقدر ثواب دارد وقتی دو فرد با ایمان با هم ملاقات می کنند و یکی با دیگری مصافحه می کند گناهان آنان همانند برگ درختان می ریزد تا زمانی که از هم جدا شوند.

با تأمل در این روایت باید اذعان کرد متأسفانه در عصر حاضر معمول نیست در مسافرت و هر لحظه با هم سلام و احوالپرسی کنیم لیکن امام در بیان اهمیت و تأکید بر اظهار محبت سه مرتبه کاری را انجام می دهد، تا مردم حداقل یک بار آن را انجام دهند و فراموش نشود، نه آنکه ابوعبیده بگوید یک بار هم پیش ما زیاد است.

لذا باید دانست بر خلاف خشونت وهابی های سلفی که یک اقلیّت محدود هستند و جزء برنامه های اسلام نیستند، لیکن اسلام اصیل آیین محبّت و دوستی است، همچون صفاتی که امام باقر علیه السلام برای شیعیان بیان فرموده که شیعیان خشن نیستند، بلکه پرمحبت و دارای لطافتند.

با این تفاسیر باید مدعی شد در هیچ مکتبی بر دوستی و محبّت تا این اندازه تأکید نشده است. این برنامه اسلام است که اگر آن را درست به جامعه خود و دنیا معرّفی کنیم، باعث پیشرفت ما خواهد بود.

برکات صله رحم و تبعات قطع رحم

در اسلام به مسأله صله رحم و قطع رحم اهمیّت زیادی داده شده است. از مجموع روایات استفاده می شود از جمله گناهانی که در دنیا دامان انسان ها را می گیرد قطع رحم است و پاداش صله رحم هم در دنیا داده می شود. لذا امام باقر علیه السلام می فرماید: حضرت علی علیه السلام فرمود؛ زمانی که قطع رحم کنید خداوند اشرار را مسلط بر اموالتان قرار می دهد. و یا آن حضرت در فراز دیگر در حدیثی به میسّر فرمود: ای میسّر چند بار مرگ تو فرارسیده و خداوند اجل تو را به تأخیر انداخت برای این که صله رحم بجا آوردی و مشکلات آنان را حل کردی.

در تبیین این روایات باید گفت از یک سو اسلام طرفدار عواطف است، به خصوص در بین خانواده، فامیل و خویشاوندان باید عواطف بجوشد، در سوی دیگر اسلام می خواهد با صلهٔ رحم یک بیمه خانوادگی درست کند. بیمه به این معناست که مشکلات تقسیم بر عموم شود که اگر صله رحم درست انجام شود مشکلات تقسیم می شود و هر کدام صله رحم بجا آورند، مشکلات حل می شود؛ پس صله رحم یک نوع بیمه توأم با محبّت خانوادگی است و

مشکلات عمومی از طریق این بیمه فامیلی حل می شود و برنامه ای بسیار حساب شده است.

لیکن باید دانست ارحام درجاتی دارند مانند درجات ارث و هر چه نزدیک تر باشند پیوند باید محکم تر باشد و قطع رحم خطرش بیشتر است. بدین ترتیب صله رحم نیز در مورد خویشاوندان نسبی است چرا که رحم اشاره به نسبی هاست و دارای مراحلی است یک مرحله از آن دید و بازدید و مرحله دیگر شرکت در شادی ها و غم های آنان و مرحله دیگر عیادت از آنان است و مرحله دیگر کمک های مادّی و جسمی است. از این رو معنی ارتباط رسیدگی به مشکلات است نه صرفاً احوالپرسی و دید و بازدید، لذا صله رحم از بیمار صرفاً احوال پرسی نیست بلکه اگر کمک مالی لازم دارد باید به او کمک کند.

متأسفانه هر چه دنیا رو به تمدن مادّی می رود این امور و برنامه ها کمرنگ می شود و گاه دو برادر به واسطه اختلاف مالی مثلاً بر سر ارث ده ها سال از هم قطع ارتباط می کنند. این بلای بزرگی است و تبعات بسیار مهمّی دارد.

لذا باید اعتراف نمود دنیای امروز دنیای مرگ عواطف است و در دنیای مادّی جوان ها که بزرگ می شوند ارتباط خانوادگی قطع می شود و وقتی پدر و مادرها پیر شدند جایشان در سرای سالمندان است. بی تردید در دنیای امروز حس و عاطفه از موارد نایاب و یا حدّاقل کمیاب است، به طوری که پدر و مادر بچّه ها را ترک می کنند و بچّه ها هم پدر و مادر را رها می کنند. وقتی پایه های ایمان از بین برود عواطف هم از بین می رود. لذا بسیاری از والدین در سنین کهولت و پیری در جوامع غربی در خانه های سالمندان هستند. متأسّفانه در مورد جوامع غربی این آسیب ها بررسی نمی شود و فقط به صنایع و ثروت جامعه توجّه می شود.

بنابراین رسالت همگان در جامعهٔ اسلامی این است که ارزش های اسلامی همچون صله رحم را بها دهیم که سرمایه حقیقی نیز همین است.

ادخال سرور بر قلب مؤمن

یکی از مشکلات مردم که آنها را از کار باز می دارد، حالات غم و اندوه و افسردگی است که برای همه پیش می آید و عوامل مختلفی مانند مشکلات خانوادگی، اقتصادی، جسمی و ... دارد. اگر عوامل غم و اندوه تشدید شود به افسردگی که نوعی بیماری است، تبدیل می شود.

لیکن در احادیث اسلامی در مورد لزوم ادخال سرور در قلب مؤمنان به طور خاص، یا انسان‌ها به طور عام، روایات زیادی وارد شده است به نحوی که باب «استحباب ادخال سرور (شاد نمودن دیگران)» از جمله ابواب معروف در آموزه های اهل بیت علیهم السلام است که روایات فراوانی را در بر گرفته است؛ از آن جمله است روایت معتبره امام باقر علیه السلام از رسول الله صلی الله علیه و آله که فرمود: «هر کسی مؤمنی را خوشحال کند مرا خوشحال کرده است و هر کسی مرا خوشحال کند خداوند عزوجل را خوشحال نموده است»؛ (من سر مؤمنا فقد سرنی ومن سرنی فقد سر الله).

و در فراز دیگر کلام نورانی امام باقر علیه السلام که می فرماید؛ تبسّم المؤمن فی وجه أخیه حسنهٔ و صرفه القذی عنه حسنهٔ و ما عُبد الله بمثل إدخال السرور علی المؤمن؛ تبسّم مؤمن به صورت برادر مؤمنش حسنه است و زدودن آنچه برچهره اوست حسنه است و هیچ عبادتی مانند ادخال سرور بر قلب مؤمن نیست.

لذا اگر مزاح در حد اعتدال و صرفاً برای ادخال سرور و شادمانی در قلب مؤمن و رفع خستگی ها و اندوه ها باشد، و تمام جهات شرعی در آن رعایت گردد به یقین مطلوب است و مورد رضای خدا. زیرا ادخال سرور در قلب انسان نه تنها در سرای دیگر به یاری انسان می شتابد، بلکه در همین دنیا نیز مأموریت دارد که در مشکلات، او را یاری کند و مصائب و حوادث تلخ را به شدت از او دور سازد.

در کنار این مسأله، مقولهٔ ایمان به خدا و توکّل به او، یکی از عوامل مهمّی است که جلوی افسردگی را می گیرد، چرا که شخص با ایمان، خدا را کسی می داند که مشکل ترین مشکل ها برای او آسان است، کسی که چنین فکر کند مأیوس نمی شود چون در هر قدمی فرجی است و خدا می تواند همه چیز را دگرگون کند؛ حال اگر ضعیف النفس باشد با اندک مشکلی مأیوس و ناراحت می شود، حال اگر مطابق روایت با لفظ یا با عمل او را خوشحال کند از هر عبادتی بالاتر است.

سخن آخر

در خاتمه شایسته است در این روایت تأمل نماییم؛ فردی به امام باقر علیه السلام عرض کرد: «الحمد لله شیعیان شما خیلی زیاد هستند» امام علیه السلام نگاه پرمعنایی به او کرد و فرمود: اینها که می گویی شیعیان ما هستند، آیا این کارها را انجام می دهند؟ آیا ثروتمندان این افراد به حال فقراء و مستمندان خود توجهی دارند و به آنها رسیدگی می کنند؟ آیا بزرگان و نیکوکاران این افرادی که شما آنها را شیعه می خوانید، خطاها و اشتباهات خطاکاران را می بخشند و آنها را مورد عفو و گذشت قرار می دهند، (یا آنها را چندین برابر مجازات می کنند و زجر می دهند!؟) آیا اینها مواسات دارند؟ خوشبختی های خویش را بین همدیگر تقسیم می کنند (شادی هایشان را با هم قسمت نمایند)؟

آن مرد وقتی این ویژگی ها را شنید شرمنده شد و پاسخ منفی داد. سپس حضرت فرمود: چنین افرادی شیعه نیستند؛ شیعه کسی است که آنچه را گفتم عمل کند.

آری، شیعه باید راهب شب و شیر روز، انسانی هوشیار و فهمیده و زرنگ باشد، به فقراء و نیازمندان کمک کند و از خطای خطاکاران درگذرد و دیگران را در شادی های خود سهیم کند.

چه خوب است که همه ما بدانیم تحت این نام مقدّس یعنی «شیعه اهل البیت علیهم السلام» چه مسئولیّت های بزرگی بر عهده ما نهاده شده است، تنها به ادّعا نمی توان شیعه بود، تنها این که پدر و مادرم شیعه بوده من هم شیعه ام نمی توان شیعه بود، شیعه بودن مفهومی است پرمحتوا و مسئولیت های خطیری دارد که باید بدان عامل بود.

مولّفه های معرفتی مکتب امام هادی علیه السلام از منظر معظم له

در وهلهٔ نخست سخن خود را با استناد به روایتی از امام علی الهادی علیه السلام در لزوم ذکر نام و یاد خدا در همهٔ احوالات آغاز می کنیم که به یکی از کارگزاران خود پس از آنکه مسائل متعددی را خاطر نشان ساخت، بعد به او فرمود: حال بگو ببینم چه می‌گویی؟ لیکن آن فرد نتوانست آنچه را از امام شنیده بود تکرار کند، لذا امام دوات را پیش کشید و نوشت «بسم الله الرحمن الرحیم ان شاء الله به خاطر داشته باش که همه کارها به دست خداست ...».

لذا در این نگاشته و در سالروز شهادت مظلومانهٔ امام هادی علیه السلام با بهره گیری از کلام حضرت علی علیه السلام از خداوند استعانت می جوییم، استعانت کسی که به فضل پروردگار امیدوار است و به سودش آرزومند و به دفع زیان‌ها مطمئن و به نعمتش معترف و کردار و رفتار به او اذعان دارد. به او ایمان داریم، ایمان کسی که با یقین کامل به او امیدوار است و با اعتقاد خالص به او توجه دارد، ایمان کسی که در برابر او خاضع و با خلوص نیت به توحید او عقیده مند است. با تمجید فراوان به بزرگداشت او می پردازد و با رغبت و کوشش به او پناهنده می شود.

بی شک فشارهایی که بر ائمه اهل بیت علیهم السلام، وارد می شد، از جمله تبعید امام هادی علیه السلام به سامرا، و تحت نظر قرار گرفتن آن حضرت از ترس قیام بر ضد حکومت همه به خوبی نشان می‌دهد که امامان راستین همچون امام علی النقی علیه السلام تبیین مبانی معرفتی و تشکیل حکومت عدل الهی را از وظایف حتمی خود می شمردند و از هر فرصتی برای آن استفاده می‌کردند. که در این نگاشته مهم ترین مولّفه های معرفتی آن حضرت مورد واکاوی قرار خواهد گرفت.

اهتمام ویژه به علم و عالم

بی تردید آموزه های موجود در آیات و روایات درباره اهمیت مقام عالم و دانشمند بیش از آن است که در این سطور بگنجد، بلکه شرح آن نیاز به کتاب های فراوان دارد.

مرحوم علامه مجلسی رحمه الله حدیثی از امام حسن عسکری علیه السلام نقل می کند که مردی از فقهای شیعه خدمت امام هادی علیه السلام رسید. این مرد پیش از این با بعضی از ناصبین (دشمنان اهل‌بیت علیهم السلام) سخن گفته و آن‌ها را محکوم کرده بود؛ محکومیتی که به رسوایی‌شان انجامید. این مرد بر امام هادی علیه السلام وارد شد. در صدر مجلس مکان ویژه ای بود که امام علیه السلام خارج از آن نشسته بود و در حضورش گروهی از علویین و بنی هاشم بودند. امام علیه السلام آن مرد عالم را بالا برد تا آن‌جا که در مکان ویژه نشاند و در برابر او نشست.

این کار بر اشراف علویین و بنی هاشم که در مجلس بودند گران آمد. علویین، امام را بالاتر از آن می دانستند که به او عتاب کنند؛ ولی پیرمردی که در میان هاشمیین (منظور از هاشمی عباسی است) بود، عرض کرد: ای پسر رسول خدا! آیا این درست است که یک مرد عامی را بر سادات بنی هاشم اعم از فرزندان ابوطالب و عباس مقدم می داری؟ امام علیه السلام فرمود: بپرهیزید از این‌که مشمول این آیه باشید: «ألم تر إلی الذین أوتوا نصیبا من الکتاب یدعون إلی کتاب الله لیحکم بینهم ثم یتولی فریق منهم وهم معرضون»؛ آیا ندیدی کسانی را که بهره‌ای از کتاب (آسمانی) داشتند، به سوی کتاب الهی دعوت شدند تا در میان آن‌ها داوری کند، سپس گروهی از آنان، (با علم و آگاهی،) روی‌گردان می‌شوند، در حالی که (از قبول حق) اعراض دارند؟».

سپس فرمود: آیا راضی هستید که قرآن مجید در میان ما حکم باشد؟ عرض کردند: آری. فرمود: آیا خدا نمی فرماید: «یا أیها الذین آمنوا إذا قیل لکم تفسحوا فی المجالس فافسحوا یفسح الله لکم وإذا قیل انشزوا فانشزوا یرفع الله الذین آمنوا منکم والذین أوتوا العلم درجات»؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! هنگامی که به شما گفته شود: «مجلس را وسعت بخشید (و به تازه واردها جا دهید)»، وسعت بخشید، خداوند (بهشت را) برای شما وسعت می بخشد؛ و هنگامی که گفته شود: «برخیزید»، برخیزید؛ اگر چنین کنید، خدا کسانی را که ایمان آورده اند و کسانی را که علم به آنان داده شده درجات عظیمی می بخشد».

بنابراین خدا برای عالم مؤمن راضی نشده مگر این‌که بر مؤمن غیر عالم برتری پیدا کند. همان‌گونه که مؤمن را بر غیر مؤمن برتری داده است.

سپس آیات زیادی از قرآن مجید را درباره برتری عالمان بر غیر عالمان تلاوت فرمود و آن مرد عباسی محکوم شد.

مقابله با فرقه های انحرافی

آنچه در روایات آمده بالأخص در حدیثی که مرحوم «کلینی» در کافی از «ابو الحسن امام هادی» علیه السلام نقل می‌کند این است که حضرت به یکی از یاران خود به نام «جعفری» فرمود؛ چرا تو را نزد «عبد الرحمن بن یعقوب» دیدم (عبد الرحمن بن یعقوب یکی از منحرفان عقیدتی بود)؟

او عرض می‌کند: «عبد الرحمن» دایی من است. فرمود: مگر نمی دانی که او در باره خداوند سخن بسیار بدی می گوید و او را به صفات مخلوقات توصیف می کند در حالی که چنین نیست، سپس فرمود: یا نزد او باش و ما را ترک کن یا با ما بنشین و او را ترک نما! «جعفری» می گوید: او هر چه می‌خواهد بگوید، وقتی من با او هم عقیده نباشم چه گناهی بر من است؟ حضرت فرمود: اما تخاف ان تنزل به نقمهٔ فتصیبکم جمیعا، آیا نمی‌ترسی که بلایی بر او نازل شود و همه شما را در بر بگیرد»؟

به همین دلیل هنگامی که فساد مخصوصاً فساد عقیدتی محیطی را فرا گیرد و مؤمنان نتوانند با آن مقابله کنند و بیم آلودگی آنان برود باید از آن محیط هجرت کنند و فلسفه هجرت مسلمانان در آغاز اسلام نیز، درست همین معنی بود.

هم چنین در برخی اخبار تصریح شده که اگر دوستداران ائمه علیهم السلام به آنها تمایل پیدا کنند ایشان از آنها بیزار خواهند بود و حتی در یکی از آنها آمده که پس از آنکه امام هادی علیه السلام مذمت فراوانی از صوفیه کرد، یکی از یاران آن حضرت گفت: اگرچه آن صوفی معترف به حق شما باشد؟ حضرت مانند خشمناک به او نگاه کرد و فرمود: این سخن را بگذار! کسی که به حقوق ما معترف باشد راهی را که سبب آزردن ماست نمی‌پیماید. تا آنجا که فرمود: «والصوفیهٔ کلهم من مخالفینا وطریقتهم مغایرهٔ لطریقتنا؛ صوفیان همگی از مخالفان ما هستند و راه آنها از راه ما جداست».

مبارزه با خرافات

در میان مردم معمول است که بعضی از روزها را روز سعد و مبارک، و بعضی را روز شوم و نحس می شمرند، هر چند در تعیین آن اختلاف بسیار است، سخن اینجا است که این اعتقاد عمومی تا چه حد در اسلام پذیرفته شده؟ و یا از اسلام گرفته شده است؟.

البته این از نظر عقل محال نیست لیکن از نظر استدلال عقلی راهی برای اثبات یا نفی چنین مطلبی وجود ندارد لذا می گوئیم از نظر عقل ثابت نیست.

با همهٔ این تفاسیر لیکن متأسفانه برخی افراد بجای بررسی عوامل شکست و پیروزی خود و دیگران و استفاده از این تجربیات گران بها در زندگی، گناه همه شکست ها را به گردن شومی ایام می اندازند، همان گونه که رمز پیروزی ها را در نیکی ایام جستجو می‌کنند! این یک نوع فرار از حقیقت، و افراط در مساله، و توجیح خرافی حوادث زندگی است که باید از آن به شدت پرهیز کرد، و در این مسائل نه گوش به شایعات میان مردم داد، نه سخن منجمان، و نه گفته فال‌گیران، اگر چیزی در حدیث معتبر در این زمینه ثابت شود باید پذیرفت، و گرنه بی اعتنا به گفته این و آن باید خط زندگی را ادامه داد، و با تلاش و سعی و کوشش به پیش محکم گام برداشت، و از توکل بر خدا یاری جست و از لطف او استعانت خواست.

بدون شک از جمله تلاش های مهم علمی امام هادی علیه السلام مبارزه با خرافات است. در روایتی آمده است که یکی از یاران امام دهم علی بن محمد الهادی علیه السلام می گوید: خدمت حضرت علیه السلام رسیدم در حالی که در مسیر راه انگشتم مجروح شده بود، و سواری از کنارم گذشت و به شانه من صدمه زد، و در وسط جمعیت گرفتار شدم و لباسم را پاره کردند، گفتم: خدا مرا از شر تو ای روز حفظ کند، عجب روز شومی هستی! امام فرمود: با ما ارتباط داری و چنین می گویی؟! و روز را که گناهی ندارد گناهکار می شمری؟ آن مرد عرض می کند از شنیدن این سخن به هوش آمدم و به خطای خود پی بردم، عرض کردم ای مولای من، من استغفار می کنم، و از خدا آمرزش می طلبم، امام علیه السلام افزود: ما ذنب الایام حتی صرتم تتشامون بها اذا جوزیتم باعمالکم فیها؟: روزها چه گناهی دارد که شما آنها را شوم می شمرید هنگامی که کیفر اعمال شما در روزها دامانتان را می‌گیرد؟! راوی می گوید: عرض کردم من برای همیشه از خدا استغفار می کنم و این توبه من است ای پسر رسول خدا.

امام علیه السلام فرمود: این برای تو فایده ای ندارد، خداوند شما را مجازات می کند به مذمت کردن چیزی که نکوهش ندارد، آیا تو نمی دانی که خداوند ثواب و عقاب می دهد، و جزای اعمال را در این سرا و سرای دیگر خواهد داد، سپس افزود: دیگر این عمل را تکرار مکن و برای روزها در برابر حکم خداوند کار و تاثیری قرار مده!.

این حدیث پر معنی اشاره به این است که اگر روزها هم تاثیری داشته باشد به فرمان خدا است، هرگز نباید برای آنها تاثیر مستقلی قائل شد، و از لطف خداوند خود را بی نیاز دانست، وآنگهی نباید حوادثی را که غالباً جنبه کفاره اعمال نادرست انسان دارد به تاثیر ایام ارتباط داد، و خود را تبرئه کرد.

لزوم صبر در مصیبت؛تقبیح جزع و بی تابی

از امام هادی علیه السلام نقل شده است که می‌فرمایند: «المصیبهٔ للصابر واحدهٔ و للجازع اثنان؛ مصیبت برای انسان صبور یکی است و برای انسان بی صبر و ناشکیبا دوتاست».

گفتنی است «جزع» نقطه مقابل «صبر» است و آن، حالت بی قراری و ناشکیبایی در برابر حوادث و مشکلات است، به گونه ای که انسان در برابر حادثه زانو زند، مأیوس شود، بی تابی کند و یا از تلاش و کوشش برای رسیدن به مقصد چشم بپوشد.

بی شک جزع یکی از بدترین و نکوهیده ترین صفات است که انسان را در دنیا و آخرت به بدبختی می کشاند و از رسیدن به مقامات والا باز می دارد و ارزش و مقام او را در جامعه کاسته، شربت زندگی را در کامش تلخ، و شهد حیات را شرنگ می‌سازد.

لذا آموزه های قرآنی و حدیثی در مقام مذمت جزع و بی تابی و ناشکیبایی در مقابل مصیبت است زیرا جزع و بی تابی مشکلات عظیم جسمی و روحی به دنبال دارد، به علاوه اجر و پاداش انسان را برباد می دهد، بنابر این مصیبت افراد ناشکیبا مضاعف می شود.

درباره این که چرا پاداش را نیز از بین می برد، باید گفت: جزع و ناشکیبایی دلیل بر عدم رضا و عدم تسلیم در برابر مقدرات الهی است. در واقع، اعتراض به عدل و حکمت پروردگار را در بردارد؛ هر چند صاحبش از آن غافل باشد.

مضاعف شدن مصیبت افراد ناشکیبا از

اینجاســت که ضربه هایی بر جسم و روح آنها وارد می‌کند و آنها را در هم می کوبد. کوتاه ســخن این‌که جزع و بی تابی افزون بر نوعی ناسپاســی در پیشــگاه خدا، آثار بسیار مخربی روی اعصاب انسان دارد و او را گاه تا سر حد جنون پیش می برد.

لذا برای درمان جزع لازم است انسان توجه به مصائب اولیاء الله در گذشــته و مصائب دوســتان و خویشان و بستگان کند که هر یک به نوعی گرفتارنــد. به علاوه در آثار مثبت صبر و شــکیبایی و آثار منفی جزع و بی‌تابی بیندیشد. و نیز به اموری بپردازد که فکر او را به خود مشغول می سازد و از مصیبت منصرف می کند، تا در ســایه آن تدریجا مصیبت را فراموش کند.

زیــرا چه بخواهیــم و چــه نخواهیم دنیا آمیخته با دشــواری ها و مصائب است و مهم این است که در برابر این دشواری ها تحمل داشته باشیم و صبر پیشه کنیم. تا بتوانیم راه حل پیدا نماییم.

غرور و غفلت؛ حجاب معرفت

در جهانی زندگی می‌کنیم که حوادث طول تاریخ، دگرگونی قدرت ها، سرنگونی دولت هــا و از کار افتادن قهرمانان و فقر گروهی از ثروتمنــدان، هرکدام واعظی هســتند، حتی مردگان که همــه روزه می‌بینیم بر دوش بســتگان و عزیزانشان به سوی دیار خاموشــان برده می‌شوند، کاخ های ویران شده شــاهان مقتدر و قصرهای آباد آن‌ها همه در حال وعظند.

اضافه بر همه این‌ها، خیــل انبیا و اولیا و معصومان علیهم الســلام همگی واعظان بزرگــی بودند که در طول تاریخ به وعظ و اندرز انسان‌ها پرداختند و امروز بسیاری از مواعظ آن‌ها در اختیار ماست.

با این حال پرســش اساسی این است که چرا این موعظه های بسیار قوی در دل‌های گروهی تأثیر نمی گذارد؟ قطعاً دلیلی دارد؛ امام هادی علیه الســلام در فرازی کوتاه و حکیمانه، به یکــی از حجاب‌های معرفت و علــم و حکمــت و تربیت اشــاره کرده می‌فرماید: «میان شــما و موعظه، پرده‌ای از غفلت (و غرور) وجود دارد».

در حدیــث عبرت انگیــزی از امام هادی علیه السلام آمده است که متوکل عباسی شبی آن حضرت را به کاخ خود فرا خواند. مأموران به خانه امام علیه السلام ریختند و حضرت را با خود به قصر متوکل آوردند. متوکل که سرمست شراب قدرت و مشغول به نوشــیدن خمر بود، همین که چشمش به آن حضرت افتاد از جا برخاست و احترام کــرد و او را نــزد خود نشــاند و با نهایت جسارت جام شرابی را که در دست داشت به آن حضرت تعارف کرد!

امام علیه السلام رو به سوی او کرده فرمود: به خدا ســوگند این مایــع ننگین هرگز با گوشت و خون من آشنایی نداشته و ندارد. متوکل مست شرمنده شد و دست خود را عقب کشید.

آن‌گاه به امام علیه الســلام گفت: شعری برای من بخوان (لابد شعری که بزمش را گرم‌تر کند).امام علیه الســلام فرمود: من کمتر شــعر به خاطــر دارم. متوکل گفت: حتمــا باید بخوانــی. هنگامی که حضرت اصرار متوکل را دید، اشــعار تکان دهنده ای خواند و فرمود:« باتوا علی قلل الأجبال تحرســهم.... گروهی بودند که بر قله های کوه ها، دژهای محکمی ســاخته بودند و مردانــی نیرومند از آن‌ها پاســداری می کردند؛ امــا هرگز این قله ها به حال آن‌ها سودی نداشت.»

در حدیث دیگری در بحارالانوار آمده است که متوکل بعد از شــنیدن این اشعار، جام شــراب را بر زمین زد و مجلس عیشش به هم خورد. لذا متوکل شــرمنده شد و آن حضــرت را با احترام به منــزل بازگرداند. آری، گاهی حجــاب غفلت کنار می‌رود و موعظه ها اثربخش می‌شــود؛ اما افسوس که این کنار رفتن حجاب برای بســیاری موقتی است.

تأکید بر خانواده گرایی

امام علی بــن محمد نقی (هــادی) علیه الســلام می فرماید: من هانت علیه نفسه فلا تأمن شــره ؛ آن کســی که شخصیتی برای خود قائل نیست از شر او برحذر باش!

در حقیقت یکــی از مهم‌ترین عواملی که جلو فســاد و بــدکاری را می‌گیرد وجود شــخصیت یا لااقل احســاس شــخصیت اســت، افراد با شــخصیت یا آنها که برای خودش شــخصیتی قائلند هر چند در نظر دیگران چندان شــخصیتی نداشته باشند، به خاطر حفظ موقعیت خود هم که باشد از انجام بسیاری از زشت کاری ها و اعمال خلاف خودداری می کنند، ولی همین که احساس کردند نه آبرویی دارند و نه احترام و شــخصیتی، از هیچ چیز پــروا نخواهند کرد.

به همین دلیل یکــی از نکات مهم تربیت فرزند یا تربیت افراد انســان به طور کلی این است که در آنها ایجاد شخصیت شود و احســاس کنند شخصیت ویژه ای دارند، به عکس خرد کردن شخصیت افراد که اثر بسیار بدی از لحاظ تربیتی دارد.

یکی از اصحاب نزد امام هادی علیه السلام فرزنــد خود را ســرزنش کــرد، امام علیه الســلام در واکنش به عمل این شــخص فرمودند: نافرمانی وبد بودن، فرزندان مانند کسی است که فرزند خود را از دست داده باشد، که باید در رابطه با ارتباط والدین با فرزندان صحبت شود.

با تأمــل در کلام نورانی امام هادی علیه السلام باید گفت متأسفانه در عصر کنونی ارتباط خیلی از والدین بــا فرزندان دچار چالش شده است و ارتباط خوبی با یکدیگر ندارند، هم چنین تفاوت فرهنگی بین پدر و مادر و فرزندان موجب شده که همدیگر را خــوب درک نکنند، والدین از یک ســو دارای فرهنگ ســنتی بــوده و فرزندان با فرهنــگ مدرن که آمیخته بــا تکنولوژی اســت بزرگ شــده اند؛ اما طرفین برای رسیدن به درک مشترک باید تلاش کنند. یقیناً اگر همدیگر را تحمل کنند، مشکلات مرتفع خواهد شد .

لذا اشــتراک در اصول فکــری و تفاهم و کنــار آمدن با یکدیگــر در فروع به حل مشــکلات بین فرزنــدان و والدین کمک زیادی می کند.

سخن آخر

در خاتمه باید به مانند حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام آن مرد بسیار بزرگ و عالی مقام و دانشــمند که عقاید خود را بر امام زمان خود یعنی امام علی النقی علیه السلام عرضه داشت: و گفت؛ من معتقدم خــدا یکی اســت و ذات او بــه هیچ چیز شــباهت ندارد، آن طور عقیده ای که او را از دو حد «ابطال و تشبیه» خارج می کند.

حــال ما نیز باید در پیشــگاه خداوند زانو بزنیم و دست به جانب درگاه او برداریم و همان سخنی را که امام هادی علیه السلام در پیشــگاهش عرضــه مــی دارد، عرض کنیم:«إلهــی تاهت أوهــام المتوهمین، و قصر طرف الطارفین... معبودا! اندیشه های دور پرواز اندیشمندان، حیران شده و نگاه بینندگان کوتاه گشــته و توصیف توصیف کنندگان، متلاشی شده و سخنان بیهوده گویان، ناتوان شده از این که شگفتی های ذات پاکت را درک کنند، یا به مقام والای تو دست یابند. تو در موقعیت غیر متناهی قرار داری، هرگز چشــم هــا نمی تواند تو را ببینــد، یا به ذات پاکت اشــاره کند، یا توصیف نماید. آری بسیار دور است! بسیار دور اســت!» گرچه هرگز اینها بدان معنا نیســت که ما از معرفت و شناخت اجمالی محروم باشیم، چرا که آثار ذات و صفات او تمــام جهان و درون و برون وجود ما را، پر کرده است.

امیدواریم در سایه عنایات اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام به ویژه امام هادی علیه السلام بتوانیم وظایف سنگینی که در این عصر و زمان در قبال اسلام و مسلمانان داریم را به بهترین شکل ممکن جامه عمل بپوشانیم.

تأمّلی بر دکترین اجتماعی امام جواد علیه السلام از منظر معظم له

باید اذعان نمود در مسیر پرفراز و نشیبی که انسان در زندگی در پیش دارد برای این که بتواند از خطرات بیشماری که سعادت او را تهدید می کند رهایی یابد و موجودی مفید و مؤثر در اجتماع گردد، در درجه اول نیاز به یک ارتباط معنوی و روحانی به پروردگار دارد که از ذات پاکش مدد گیرد، و سپس وجدانی بیدار و آگاه از درون او را موعظه کند و پس از آن گوش‌هایی شنوا که از افکار، راهنمایی ها، اندرزها و مشورت های دیگران استفاده کند، لذا امام جواد علیه السلام می فرماید:«المؤمن یحتاج إلی ثلاث خصال:توفیق من الله؛و واعظ من نفسه وقبول ممن ینصحه؛ افراد با ایمان نیازمند به سه چیزند، توفیق پروردگار، و واعظی از درون جان و دل، و پذیرشی از اندرز دهندگان»، که در ادامه به اهمّ آموزه های اجتماعی آن حضرت اشاره می گردد.

شکوه امامت امام جواد علیه السلام

در سالروز میلاد پرخیر و برکت امام جواد علیه السلام بسیار مناسب است روایتی از یکی از یاران آن حضرت به نام علی بن اسباط را بخوانیم که می گوید به خدمت او رسیدم (در حالی که سن امام کم بود) من درست به قامت او خیره شدم تا به ذهن خویش بسپارم و به هنگامی که به مصر باز می گردم کم و کیف مطلب را برای یاران نقل کنم، درست در همین هنگام که در چنین فکری بودم آن حضرت نشست (گویی تمام فکر مرا خوانده بود) رو به سوی من کرد و گفت: ای علی بن اسباط! خداوند کاری را که در مساله امامت کرده همانند کاری است که در نبوت کرده است، گاه می فرماید: «و آتیناه الحکم صبیا» (ما به یحیی در کودکی فرمان نبوت و عقل و درایت دادیم) و گاه در باره انسان ها می فرماید حتی إذا بلغ أشده و بلغ أربعین سنهٔ ... (هنگامی که انسان به حد بلوغ کامل عقل به چهل سال رسید ...) بنا بر این همانگونه که ممکن است خداوند حکمت را به انسانی در کودکی بدهد در قدرت او است که آن را در چهل سال بدهد.

خدا محوری؛ مایهٔ بیداری جوامع بشری

گاه می شود که در زندگی تمام درها به روی انسان بسته می شود و به هر طرف رو می کند با مشکل یا مشکلاتی روبه رو می شود.

این گونه رویدادها فرصتی است برای بیدار شدن انسان ها و بازگشت او به سوی خدا، بازگشتی سازنده و تغییر دهنده سرنوشت، در این هنگام اگر از جان و دل متوجه او گردد و از ذات پاکش مدد گیرد، امدادهای الهی به سراغ او آمده و نسیم های رحمت پروردگار او را در آغوش می کشند و از راه‌هایی که هرگز باور نداشت درهای بسته گشوده می شود.

از این رو امام محمد تقی (جواد) علیه السلام می فرماید:«لو کانت السماوات والارض رتقا عبد ثم اتقی الله تعالی جعل الله له منها مخترجا ؛اگر درهای آسمان و زمین به روی کسی بسته شود سپس او پرهیزگاری پیشه کند خداوند گشایشی در کار او می دهد».

مراقبت دائمی؛ بزرگترین شاخصهٔ پویایی اجتماعی

لازم به ذکر است نخستین اثر ایمان به خداوند بزرگ، احساس یک مراقبت دائمی بر سر تا پا و درون و برون از ناحیه علم و آگاهی اوست، نه تنها هیچ نقطه ای از دیدگاه علم او بیرون نیست، بلکه مراقبین او از چهارسو، از همه جا، ما را احاطه کرده اند.

لذا هر قدر پایه ایمان بالاتر برود احساس این مراقبت، بیشتر و عمیق تر می گردد، تا آن‌جا که انسان خود را به طور دائم در حضور او می بیند، این احساس بزرگترین وسیله اصلاح فرد و اجتماع، و زیباترین جلوه ای ایمان است، که احیا کردن آن به مهم‌ترین نابسامانی های اجتماعی سامان می بخشد، از این رو امام محمد تقی (امام جواد) علیه السلام می فرماید؛«إعلم أنک لن تخلو من عین الله فانظر کیف تکون؛ بدان که از دیدگاه پروردگار بیرون نخواهی رفت اکنون ببین چگونه خواهی بود؟».

ایجاد بحران اجتماعی در سایهٔ هم نشینی با بدان

بی شک تأثیر مجالست و هم‌نشینی غیر قابل انکار است؛ لذا همنشینی با بدان انسان را بدبخت می‌سازد زیرا همنشینی با بدان و قرار گرفتن در محیط های فاسد هماهنگی ظاهر و باطن را بر هم می زند بلکه باید به سراغ اصول حاکم بر درمان بیماری های اخلاقی و رذائل برویم که همان اندیشیدن در آثار نکبت بار آن است. اینگونه است که در حدیثی از امام جواد علیه السلام می خوانیم: «از همنشینی بدان بپرهیز که همچون شمشیر برهنه اند، ظاهرشان زیبا و آثارشان بسیار زشت است»!.

در تبیین این مسأله باید گفت هجرت و دوری از اهل عصیان و گناه و از همنشینی با بدان و ظالمان و آلودگان. از جمله منازل سالک الی الله است که وارد عالم خلوص می گردد.

هم چنین همنشینی با بدان باعث آلودگی انسان می شود، همان‌گونه که نسیم دلنواز اگر از روی مزبله ها و مکان های بدبو عبور کند، بدبو می شود» از این رو هنگامی که انسان در خانواده یا در شهر و کشوری که فساد بر آن حاکم شده است زندگی کند، نظر او نسبت به همه افراد حتی به نیکان بد می شود. هر چند معاشران او افراد خوبی باشند ولی غلبه فساد بر محیط کار، خود ایجاد سوءظن می کند. بنابراین لازم است از همنشینی با بدان پرهیز گردد.

شهوت؛ عامل سقوط جوامع بشری

در وهلهٔ نخست باید گفت «شهوت» نقطه مقابل «عفت» و موجب سقوط فرد و جامعه می‌شود. مطالعات تاریخی نشان می دهد که اشخاص یا جوامعی که در«شهوت پرستی» غرق شده اند، نیروهای خود را از دست داده و در معرض سقوط قرار گرفته اند.

طبق نظر کارشناسان حقوقی، «شهوت جنسی» در ایجاد جرم و جنایت نقش عمده را دارد تا جایی که گفته شده است: «در هر جنایتی، شهوت جنسی نیز دخیل بوده است». شاید این تعبیر، مبالغه آمیز باشد، ولی به یقین منشأ بسیاری از جنایات و انحرافات، طغیان «غریزه جنسی» و شهوت پرستی است..

لذا در حدیثی از امام جواد علیه السلام می خوانیم: «راکب الشهوات لاتستقال له عثرة؛ آن‌کس که بر مرکب شهوات سوار شود لغزش هایش قابل جبران نیست».

اصولاً هنگامی که پای شهوت پرستی به میان آید حجابی بر عقل افتاده و حاکمیت عقل کنار می‌رود و هنگامی که زمام امور انسان از عقل سلب شود و به دست شهوات بیفتد هرگونه بدبختی یا خطری برای او فراهم شود جای تعجب نیست.

لذا نباید فراموش نمود که اگر همه افراد جامعه جز «الله» را پرستش نکنند و در مقابل انواع هوی و هوس ها، و شهوت ها، سر تعظیم فرود نیاورند، هیچ گونه نابسامانی در جوامع انسانی وجود نخواهد آمد.

نتیجه این که: اولین وظیفه متصدیان جامعه، جلوگیری از عوامل تحریک و برچیدن زمینه های فساد، و نخستین وظیفه جوانان پاکدامن، اجتناب و دوری از این عوامل و زمینه ها است. جالب این که اجتناب از زمینه های گناه آن قدر مهم است که شخصی همچون حضرت یوسف پیامبر علیه السلام، که دارای مقام عصمت است، نیز برای حفظ پاکدامنی خود از آن استفاده می نماید.

روح پرستش

بدیهی است سخن هرچه باشد و از هرکس باشد اثر دارد؛ و گوش فرادادن به سخنان این و آن معمولا با تأثیر آن در دل آدمی همراه است، لذا امام جواد علیه السلام می فرماید:«کسی که به سخنگویی گوش فرا دهد، او را پرستش کرده است. بنابراین اگر از خدا می گوید، خدا را پرستش کرده، و اگر از زبان ابلیس می گوید، ابلیس را پرستیده است!».

باید اذعان نمود از آن‌جا که هدف سخنگویان مختلف است، جمعی سخنگوی حقند و جمع سخنگوی باطل، و خضوع در برابر هریک از این دو گروه یک نوع پرستش است، زیرا روح پرستش چیزی جز تسلیم نیست، بنابراین آنها که به سخنان حق گوش می دهند، پرستندگان حقند و آنها که سخنگویان باطل گوش فرا می دهند، پرستندگان باطلند، پس باید از رونق دادن به محفل سخنگویان باطل پرهیز کرد و اجازه نداد که سخنان تاریک آنان از مجرای گوش به اعماق جان برسد.

تعجیل در توبه؛ شاخصهٔ بنیادین خدا محوری

در بسیاری از روایات توبه آمده است که باید در توبه از گناه، تعجیل کرد و از «تسویف» یعنی به عقب انداختن آن پرهیز نمود؛ مبادا آثار گناه در دل بماند و با گذشت زمان تبدیل به یک خلق و خو شود؛ لذا در حدیثی از امام جواد علیه السلام می خوانیم: «تأخیر التوبهٔ اغترار، و طول التسویف حیرة ... و الاصرار علی الذنب امن لمکر الله؛تأخیر توبه موجب غرور و غفلت، و امروز و فردا کردن سبب حیرت، و اصرار بر گناه موجب بی اعتنایی به مجازات الهی است.»

بی شک گناه آثاری بر قلب می گذارد که تدریجاً به صورت خلق و خوی باطنی در می آید و توبه این آثار را می‌شوید و اجازه نمی دهد تشکیل خلق و خوی دهد، لذا با توجه به این که دنیا، بسرعت پشت می کند و آخرت با شتاب روی می‌آورد و امروز، روز آمادگی و فردا، روز مسابقه سعادت و شقاوت است، حال چرا افراد عاقل و هوشیار، با توبه کردن و بازگشت به سوی خدا و انجام عمل نیک پیش از آن که فرصت از دست رود خود را آماده این سفر نکنند؟.

حیات اجتماعی در پرتو حفظ اسرار

متأسفانه برخی از مردم در بعض موارد سعی می کنند به اسرار زندگی و عیوب پنهانی تفتیش کنندگان پی ببرند و بر ملا سازند در حالی که جستجو و تفتیش درباره عقائد و اسرار و عیوب دیگران سبب کینه توزی و عداوت در صحنه اجتماع و گاه منجر به درگیری های شدید می شود. لذا اگر سلامت جامعه و امنیت و آرامش را طالب باشیم، باید از این امر به شدت بپرهیزیم.

با این تفاسیر باید به روایتی از امام جواد علیه السلام اشاره نمود که فرمود؛«إظهار الشیء قبل أن یستحکم مفسدة له؛اظهار کردن چیزی (سری از اسرار) پیش از آنکه مستحکم شود و به نتیجه برسد موجب فساد آن است».

بدین ترتیب باید گفت اگر چه از آنجا که، بیم توطئه بر ضد جامعه، و یا به خطر انداختن امنیت و حکومت اسلامی می‌رود به همین دلیل حکومت اسلامی می تواند مأموران اطلاعاتی داشته باشد، یا سازمان گسترده ای برای گرد آوری اطلاعات تأسیس کند لیکن مرز میان «تجسس» و «به دست آوردن اطلاعات لازم برای حفظ امنیت جامعه» بسیار دقیق و ظریف است، و مسؤولین اداره امور اجتماع باید دقیقا مراقب این مرز باشند، تا حرمت اسرار انسان ها حفظ شود، و هم امنیت جامعه و حکومت اسلامی به خطر نیفتد.

سخن آخر

در خاتمه باید گفت اگر کسی تمام امیدش به اسباب مادی باشد، راه را گم کرده است مثل این که در برنامه های امروزی، عده ای معتقدند که اگر ما با کشورهای قوی ارتباط نداشته باشیم و یا از جامعه جهانی جدا شویم، بیچاره می شویم!؛ اینها عالم اسباب است و خدای ما اینها نیستند و باید تکیه گاه ما خدا باشد، چرا که امام جواد علیه السلام مطابق این حدیث می فرماید:کسی که در عالم اسباب غرق شود، خدا او را به همان اسبابی واگذار می کند که نمی تواند خود را اداره کند.

اگر چنین رفتار کنیم با اندک شکستی مأیوس نمی شویم و یأس و ناامیدی در زندگی ها به جهت ضعف ایمان و عدم توجه به خداست.

امام جواد علیه السلام می فرماید: کسی که از خدا بریده و به غیر خدا بپیوندد، خداوند او را به همان شخص واگذار می کند و کسی که بدون علم و آگاهی عمل کند، خراب کاری او بیش از آباد کردن اوست.

پرونده ویژه

باز خوانی مقاله اصول اساسی حکومت اسلامی به قلم معظم له

(منتشر شده در ۱۱ بهمن ۱۳۵۷)

آنچه در این بخش می خوانید متن کامل مقاله آیت الله العظمی مکارم شیرازی مد ظله العالی می باشد که در آستانه ورود امام خمینی رحمت الله علیه به ایران و پیروزی انقلاب در پاسخ به انتقادات و تهاجم بختیار به حکومت اسلامی که گفته بود «حکومت اسلامی یک نظام ناشناخته است» به رشته تحریر در آمد و در ۱۱ بهمن ۱۳۵۷ توسط روزنامه کیهان منتشر شده است.

در این مقاله معظم له سه اصل «۱ـ حق مشارکت مردم ۲ـ استفاده از صاحب نظران هر رشته ۳ـ نظارت فقیه» را اصول اساسی حکومت اسلامی بر شمرده و برخی شاخصه ها و اهداف این نظام از جمله وضعیت آزادی ها، نظام اقتصادی، سیاست خارجی و فعالیت های عمرانی مد نظر و جریان مبارزه با فساد را ترسیم می نمایند:

متن کامل مقاله

آیت‌الله مکارم شیرازی؛

اصول اساسی حکومت اسلامی*

۱ـ حق مشارکت مردم

۲ـ استفاده از صاحب نظران هر رشته

۳ـ نظارت فقیه

آقای بختیار در مصاحبه روز دوشنبه خود روی این موضوع تکیه کرد که حکومت اسلامی یک نظام ناشناخته است. گروهی دیگر از نویسندگان روشنفکر نیز این مطلب را تکرار می کنند. ولی من نمی دانم برای برطرف کردن ابهام یک مسئله باید دست روی دست بگذاریم و در انتظار وحی و الهام قلبی باشیم؟ و یا باید هر نقطه تاریکی در یک مسئله وجود دارد انگشت روی آن بگذاریم و از آنها که طرفدار و صاحب نظر در آن مسئله اند توضیح بخواهیم؟ اگر توضیحات قانع کننده بود، بپذیریم و اگر نبود، باز ادامه دهیم تا برای نفی یا اثبات آن موضوع دلیل کافی در اختیار داشته باشیم.

تمام نظام هایی که تاکنون در جهان پیاده شده اعم از مشروطه و جمهوری و یا هر مکتب دیگر قبلاً ناشناخته و بی سابقه بوده، ولی هیچ یک از این دو عنوان، مانع اجرای آنها نشده است.

اجازه بدهید خطوط حکومت اسلامی را در جمله‌های کوتاهی روشن کنم:

نفی استبداد

حکومت اسلامی یک نظام دیکتاتوری و استبدادی نیست و هرگونه استبداد را نفی می کند و از نظر بافت حکومت با «جمهوری» شباهت نزدیک دارد، ولی در نام گذاری آن شما مختار و آزادید.

سه اصل اساسی حکومت اسلامی

نظام سیاسی این حکومت روی سه اصل قرار دارد «حق مشارکت مردم، استفاده از صاحب نظران و آگاهان در هر قسمت و نظارت فقیه از نظر انطباق بر موازین اسلام.»

طبق اصل اول،

یعنی حق مشارکت مردم که از حکم شوری در قرآن استفاده می شود، همه مردم می توانند در انتخاب افراد مورد نظر خود ـ به عنوان وکیل ـ برای شور در تمام مسائل سیاسی و اجتماعی و اقتصادی شرکت کنند و مرد و زن و باسواد و بی سواد در آن تفاوت نمی کنند؛ همین اندازه کافی است که بالغ و عاقل بوده باشند.

طبق اصل دوم،

در تقسیم بندی سازمان های سیاسی و اجتماعی ـ مخصوصاً رییس و نماینده و کارگزاران اصلی حکومت ـ صلاحیت و شایستگی و کاردانی علاوه بر پاکی و درستی و ایمان شرط است.

طبق اصل سوم،

باید فرد یا شورایی از فقهای عادل ـ صاحب نظران مسائل اسلامی که پاک باشند و آگاه به مسائل زمان ـ بر دو چیز نظارت داشته باشند: اول بر مصوبات مجلس مشورتی (پارلمان) و دوم اجرای قوانین، تا تخلفی از اصول قوانین اسلام روی ندهد.

انتخاب رییس دولت

در انتخاب رییس دولت نیز سه اصل بالا یعنی مشارکت مردم ـ خواه به طور مستقیم باشد یا غیرمستقیم ـ و شایستگی و کاردانی و نظارت و جلب نظر فقیه در قلمرو اصلی کلی قوانین اسلامی شرط است و اینکه بعضی از نویسندگان محترم نوشته اند در حکومت اسلامی فقیه یک موجود برتر و سایر مردم همچون صغیر محتاج به قیم هستند، قطعاً دروغ است.

آزادی ها

در این نظام، تمام آزادی های دمکراتیک پیش بینی شده؛ آزادی بیان، آزادی قلم، آزادی اندیشه و هرگونه آزادی دیگر. تنها شرط این آزادی این است که به زیان جامعه و مخالف قوانین اسلامی نباشد، حتی پیروان سایر مکتب ها و مذهب ها به هیچ وجه تحت فشار برای تغییر عقیده قرار نخواهند گرفت.

صریحاً اعلام می دارم آنها که مطبوعات را در ذکر مطالب تحت فشار قرار می دهند و به گفته شما، «ساواک مذهبی» درست کرده‌اند قطعاً از ما نیستند. ساواک مخصوص رژیم های استبدادی است، نه یک رژیم دمکراتیک همچون اسلام، ولی مطبوعاتی که جنبه خبری و عمومی دارند نیز وظیفه دارند انعکاسی از رویدادها ـ با کمیت و کیفیت صحیح ـ و خواسته های عموم مردم باشند، نه اینکه تمایلات خاص نویسندگان آنها، به رویدادها شکل و رنگ خاصی بدهد.

همچنین آنها که با توسل به خشونت و ایجاد رعب و وحشت و تهدید، برای به کرسی نشاندن افکارشان تلاش می‌کنند از ما نیستند، زیرا ما به خوبی می دانیم که اکثریت قاطع مردم کشور خواهان یک دمکراسی اسلامی هستند. با وجود چنین اکثریت چشمگیری، خشونت نه تنها غیرمنطقی است، بلکه زیان بخش نیز می‌باشد، زیرا اکثریت ها همیشه در معرض اتهام به دیکتاتوری هستند به همین دلیل از هر کاری که بهانه به دست دشمن می‌دهد باید بپرهیزند.

قوانین اسلامی آنقدر مترقی و وسیع و پرانعطاف و جامع است که نه تنها هیچ گونه مانعی بر سر راه آزادی ها و تحصیل در تمام مراحل و برای همه و استفاده از مدرن ترین وسایل صنعتی در تمام زمینه ها ایجاد نمی کند، بلکه با اتکای به ایمان و پشتوانه معنوی، حرکت و خون تازه ای در عروق جامعه به وجود می‌آورد.

مفهوم حکومت اسلامی این نیست که غیر مسلمانان در آن هیچ راهی ندارند؛ این یک اشتباه بزرگ است؛ بلکه مفهوم آن این است که قوانین اسلام که جنبه کاملاً انسانی دارد بر آن سایه افکنده است و حتی از وجود غیرمسلمان در صورت نیاز استفاده می شود.

در نظام این حکومت، هرگونه سوءاستفاده، فساد، رشوه‌خواری، دزدی از بیت‌المال، احتکار محکوم است و شدیدترین مجازات ها برای این گروه ها در نظر گرفته شده.. اصولاً با تبدیل تعلیم و تربیت یک بعدی غرب به تعلیم و تربیت چند بعدی اسلامی، ریشه بسیاری از این سوءاستفاده ها برچیده می شود.

نظام اقتصادی

در نظام اقتصادی این حکومت، سیستم سرمایه داری پر از ظلم و استثمار و اسراف غرب محکوم است؛ همان گونه که سیستم اقتصاد مارکسیستی که خود نوعی از سرمایه داری به اضافه سلب آزادی از انسان ها محسوب می شود جایی ندارد، نظام اقتصادی اسلام براساس نفی هرگونه استثمار انسان و نفی جامعه دو قطبی (ثروتمند و فقیر) پی ریزی شده و تمام سازمان های اقتصادی باید با این روحیه کار کنند و در عین حال اصل آزادی در این راه قربانی نشود. به عنوان مثال، نظام بانکداری امروز که براساس بهره کشی به نفع ثروتمندان بنا شده، تبدیل به نظامی در جهت منافع مردم می شود و بانک ها بدون هیچ گونه بهره‌ای ـ البته تحت ضوابط مطمئنی ـ وام می دهند و حقوق کارکنان بانک از طریق کارمزد محدودی (درست معادل مجموع حقوق آنها) که از مردم می گیرند تامین گردد و تنها امتیازی که بانک در برابر پس انداز و یا حساب جاری و جلب سرمایه های مردم می‌دهد، همان نگهداری مطمئن اموال و تسهیل در پرداخت های مالی است. مخصوصاً از اعتقادات مذهبی مردم در این زمینه حداکثر استفاده می شود و این موضوع در صندوق های قرض الحسنه و تعاون اسلامی که تقریباً در تمام نقاط کشور تاسیس گردیده با نتایج درخشانی تجربه شده است.

آزادی زنان

در زمینه آزادی زنان و حقوق آنها برخلاف آنچه بعضی پنداشته‌اند، اسلام هیچ گونه محدودیتی برای تحصیل یا انتخاب شغل برای آنها قایل نیست، منتها از اینکه زن را یک وسیله برای تبلیغ کالا یا یک دکور برای تزیین اطاق آقای مدیرکل و یا هرگونه کاری که به شخصیت و مقام و عفت زن لطمه بزند و او را به راه فساد بکشاند، جلوگیری می کند.

سیاست خارجی

در زمینه سیاست خارجی، حکومت اسلامی در عین حفظ ارتباط با تمام دولت های جهان، اجازه نمی دهد کشور اسلامی در حوزه سیطره و نفوذ قدرت های دیگر قرار گیرد و پاسدار منافع آنها یا وابسته نظامی یا طفیلی اقتصادی و یا عامل اجرای مقاصد آنان گردد ـ البته با دولت های غاصب همچون اسرائیل رابطه نخواهد داشت و از جنبش های آزادی بخش همچون جنبش سیاهان در افریقا حمایت می کند.

فعالیت های عمرانی

در زمینه فعالیت های عمرانی و خدمات انسانی، خودیاری که از قانون اساسی امر به معروف سرچشمه می گیرد کارگشای بزرگی است و به سرعت می توان کشور را آباد کرد و مردم را از بی تفاوتی درآورد؛ همان گونه که امروز نمونه هایش را در تمام زمینه ها می بینیم. هنگامی که در یک مسجد اعلام می‌شود برادران شما مجروح شده‌اند و خون می خواهند آنقدر داوطلب پیدا می شود که مراکز خون، جوابشان می کنند!

مبارزه با فساد

در امر مبارزه با فساد نیز این خودیاری در شکل نهی از منکر به یاری جامعه می شتابد و با استفاده از اعتقاد مذهبی، همه مردم راهنما و مراقب یکدیگر خواهند شد.

جناب آقای بختیار، فهرست کوتاهی که در بالا گفته شد چه نقطه تاریک و مبهمی دارد؟

***

این را نیز باید بگویم، شما کراراً می گویید من بسیاری از خواسته های مردم را انجام داده‌ام. می پرسیم: با استفاده از کدام اختیارات؟ می گویید: نخست‌وزیرم! ولی آیا این ادعا با گفته شما که می گویید ۲۵ سال است دیکتاتوری به همه چیز این کشور سایه انداخته ـ و طبعاً مجلس قانون گذاری رستاخیزی اش مظهر کامل این دیکتاتوری است ـ تناقض آشکاری ندارد؟!

---

* روزنامه کیهان، ش ۱۰۶۲۶ (چهارشنبه: ۱۱/۱۱/۱۳۵۷)، ص ۸.

پرونده ویژه

راهبردها و راهکارهای تحقق اقتصاد مقاومتی از منظر معظم له

در تاریخ زندگی همه انسان ها روزهایی پیش می‌آید که باید با قوت و قدرت تمام و با فداکاری و مقاومت در برابر دشمنان بایستیم و به آن ها نه بگوییم تا بتوانیم عزت، شرف و افتخارات و استقلال خود را حفظ کنیم.

نباید فراموش نمود نظام اسلامی از یک سو در شرایط تحریم قرار دارد و در سوی دیگر قیمت نفت به میزان چشمگیری کاهش یافته است، لیکن معتقدیم هیچ مشکلی نیست که راه حلی نداشته باشد و باید نشست و در این باره فکر و چاره‌اندیشی کرد و برای مقابله با آن فکر اساسی نمود زیرا اگر انسان مشکل را تشخیص دهد برای حل آن نیز به دنبال راه چاره می‌رود و این خود یک پیروزی محسوب می شود.

لذا اکنون لازم است با بررسی و اجرای ابعاد مختلف اقتصاد مقاومتی که ابتکار آن بوسیله رهبر معظم انقلاب صورت گرفته است مشت محکمی به دهان دشمنان کینه توز بزنیم و برای همیشه آنان را مأیوس کنیم.

تأملی در چیستی مفهوم اقتصاد مقاومتی

اقتصاد مقاومتی درست شبیه چیزی است که در عصر ظهور اسلام و درخشش انوار قرآن در عصر حضرت رسول‌الله (صلی الله علیه و آله و سلم) واقع شده که دشمنان و منافقان گفتند اصحاب رسول خدا را تحریم کنید و کمک های مالی به آن‌ها نکنید تا از گرد او پراکنده شوند.

لیکن قرآن مشت محکمی به دهان آن‌ها کوبید و فرمود که در کشوری زندگی می‌کنیم که خدای متعال خزانه آن را در اختیار ما گذاشته است.

از این رو مردم با استعداد هرگاه این منابع را به خوبی مدیریت کرده و برنامه‌ریزی دقیقی به وسیله مغزهای متفکر اقتصادی تنظیم شود و به قناعت در مصرف آن ها روی آوریم، به یقین توطئه های دشمن در هم کوبیده میشود.

ضرورت اجرای اقتصاد مقاومتی

در تبیین ضرورت تحقق اقتصاد مقاومتی باید گفت مسائل اقتصادی از جمله موضوعاتی است که می تواند برای ما خطرآفرین باشد. لذا باید حل مشکلات اقتصادی را جدی بگیریم .

باید مراقب باشیم چراکه دشمن می خواهد از ملت ما انتقام بگیرد و محاصره اقتصادی به نوبهٔ خود انتقام گیری از ملت است چراکه این ملت در روز قدس، راهپیمایی پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن و انتخابات و دیگر صحنه ها با شور و حرارت خاصی در صحنه حاضر می شوند و دشمنان را ناکام می گذارند. لذا باید نقشه های دشمنان را نقش برآب نمود از این رو باید حل مشکلات اقتصادی و تورم را جدی گرفت.

هم چنین باید گفت تحقق آموزهٔ قرآنی حیات طیّبه در گرو اجرای اقتصاد مقاومتی است، به نحوی که اجرای اقتصاد مقاومتی در تمام جزئیات زندگی جاری شود. لذا نباید خطرات اقتصادی و فرهنگی ما را مرعوب کند، بلکه وظیفه علما است که در مقابل این مسائل با هشیاری چاره اندیشی کنند.

بی شک قدرت یافتن مسلمانان و رسیدن آنان به حدی از شکوه و عظمت که دشمنان هرگز این جرئت را به خود ندهند که نسبت به جامعه اسلامی تعرض کنند شامل اقتدار در امور اقتصادی و دیگر مسائل مهم می باشد.

اصلاح الگوی مصرف راهبردی کلیدی در تحقق اقتصاد مقاومتی

شرط اول در مسئله اقتصاد مقاومتی اصلاح الگوی مصرف و صرفه جویی مردم است، زیرا دعوت به اسراف ازجمله مسائلی که دشمن برای ضربه زدن به اقتصاد از آن بهره می گیرند؛ چرا که نتیجه آن وابستگی اقتصادی خواهد بود؛ حال برای اینکه به دشمنان نشان دهیم تحریم‌ها در زندگی اجتماعی ما خللی وارد نکرده و شکست نخورده‌ایم باید به سیاست های اقتصاد مقاومتی توجه کنیم و صرفه جویی را در پیش بگیریم و این موضوع باید مد نظر مردم قرار بگیرد. اگر خودمان در مسأله اقتصاد مقاومتی الگو نباشیم نمی توانیم دیگران را دعوت کنیم.

در تشریح این مسأله باید اذعان نمود تردیدی نیست که نعمت های طبیعی حد و حدودی دارند و فناناپذیر نیستند بلکه منابعی که در آسمان ها و زمین وجود دارد در صورتی که بدون برنامه ریزی مصرف شوند به پایان می رسند و از بین می روند. در حالی که قناعت گنجی پایان ناپذیر است و اگر صرفه جویی در پیش گیریم و به مقدار نیاز از هر نعمتی استفاده کنیم هیچگاه دچار کمبود منابع نمی شویم و کسانی که در مصرف نعمت ها راه میانه را در پیش می گیرند هیچگاه دچار فقر نمی شوند.

سیرهٔ و اهل بیت(علیهم السلام) نیز به گونه ای است که این بزرگان تأکیدات بسیار زیادی بر صرفه جویی داشته اند، لذا این موضوعات باید به جامعه انتقال داده شود و تنها در این صورت است که جامعه می تواند مسیر اصلی خود را در پیشرفت و توسعه طی کند.

هم چنین می توان به دو دلیل راهبردی در صرفه جویی تصریح کرد: نخست اینکه نسل امروز به آن نیاز دارند و اگر مصرف از حد بگذرد انسان‌های حال حاضر هم متضرر خواهند شد و امکان مرگ عده‌ای بر اثر گرسنگی هم وجود دارد.

دلیل دوم هم ضرورت نگهداشتن منابع طبیعی برای نسل آینده است و نباید هرچه داریم را برای نسل امروز هزینه کنیم.

به راستی با این تفاسیر و در کشوری که انواع و اقسام مشکلات اقتصادی دارد برگزاری جشن‌های عقد و عروسی با ۱۸ نوع غذا چه معنایی می‌تواند داشته باشد.

متأسفانه سرمایه های بسیاری از کشور هرساله هدر می رود که با اصلاح الگوی مصرف می توان کشور را به وضعیت مطلوب تری رساند.

در سال جدید با توجه به مشکلات اقتصادی زیاد در جامعه مردم هم باید در مسألهٔ اقتصاد مقاومتی تشریفات را کمتر و زندگی‌ها را ساده تر کنند و در عین حال دولت هم بتواند بیشتر به اقشار محروم جامعه کمک کند. اگر می خواهیم به اقتصاد مقاومتی و خودکفایی برسیم نیاز به مولفه «قناعت» داریم.

تولید؛ رکن اساسی در تحقق اقتصاد مقاومتی

بدیهی است در بینش اسلام «تولید» مهم‌ترین رکن در اقتصاد مقاومتی به شمار می‌رود و افزایش نرخ آن از اهداف اقتصادی جوامع اسلامی است و بسیار مورد تأکید و توصیه است.

«تولید» عبارت است از فعالیتی که با به کارگیری و سازماندهی سلسله عوامل و نهاده هایی همچون سرمایه و منابع طبیعی، به ایجاد کالا و خدمات می انجامد. یعنی اقتصاد سالمی که بر اساس تولید و مصرف نیازمندی های واقعی زندگی بشر آن هم در داخل هر کشور، بنا می شود.

لذا در اقتصاد مقاومتی باید بر امر تولید و پیشرفت تمرکز گردید، زیرا بخشی از فعالیت های مهم در اقتصاد مقاومتی تولید است؛ مسأله تولید بیشتر و بهتر از مصادیق اقتصاد مقاومتی است.

باید اذعان نمود تولید ملی یک مسئله بنیادی است که تا کنون فعالیت‌های قابل توجهی در این زمینه صورت نگرفت و برخی فعالیت ها فقط در حد شعار بود؛ لذا باید به بحث تولید ملی توجه کرد؛ زیرا تولید ملی علاوه بر ایجاد شغل، ریشه های گرانی را نیز از بین می برد؛ مجلس هم می بایست در زمینه تولید ملی از دولت توضیح بخواهد. فعالیت و خدمات بانک نیز باید بیش از هر چیز در خدمت تولید باشد.

کیفی گرایی در امر تولید

گفتنی است تولید اجناس با کیفیت در داخل کشور از مصادیق اقتصاد مقاومتی است که مسوولان باید نسبت به آن توجه ویژه داشته باشند. زیرا اگر کیفیت اجناس در سطح مطلوب باشد یک دستگاه صنعتی به جای دوماه، چند سال کار می کند.

بدین ترتیب بالابردن کیفیت های اجناس، افزایش تولید و بی نیازی از واردات خارجی از فعالیت های مهم اقتصاد مقاومتی است ؛ این امر در حالی است که متأسفانه بسیاری از اجناس صادراتی کیفیت ندارد و این ضد اقتصاد مقاومتی است. حال اگر تولید با کیفیت تری داشتیم، مردم از کالاهای مختلف استفاده بیشتری می کردند.

بنابراین مسوولان باید ضمن توجه به کاهش هزینه ها، افزایش تولید و ارتقاء سطح کمی و کیفی تولیدات در کشور را نیز با جدیت پیگیری کنند.

لزوم تعیین مصادیق اقتصاد مقاومتی

یقیناً اگر بخواهیم شاهد تحقق ابعاد مختلف اقتصاد مقاومتی در کشور باشیم؛ باید به طورخاص نسبت به تعیین مصادیق این اقتصاد نیز بپردازیم؛ زیرا اگر مصادیق به خوبی عنوان نشود، ممکن است مشکلات بسیاری حل نشده باقی بماند.

اقتصاد مقاومتی باید روی جزئیات زندگی و مصادیق پیاده سازی شود تا همه تشکیلات، تکلیف خود را بدانند و اگر صرفاً روی کلیات بحث شود، نتیجه خاصی حاصل نخواهد شد. گاهی نیز از مرحله فراتر رفته و مصادیق اقتصاد مقاومتی تعیین می‌شود، به عنوان مثال کارهای قناعت، زهد و اسراف به صورت مصداقی مورد معرفی قرار می گیرد، مسأله‌ای که امروزه به آن احتیاج داریم هر سه مرحله است اما باید از عنوان کلی خارج شده و به مصادیق بپردازیم، در این صورت است که برنامه ها کاربردی و عملی می شود.

هم چنین وظیفه دستگاه‌ها در عرصه اقتصاد مقاومتی باید مشخص شود؛ وظایف ادارات، مؤسسات صنعتی، بازارها و خانواده‌ها باید به صورت مصداقی تعیین شود، ازاین رو باید از کلی گویی خارج شده و به صورت جزئی وظایف را مشخص کرد.

در واقع در مسیر زندگی روزمره باید بتوانیم سیاست های اقتصاد مقاومتی را پیاده کنیم و هر تشکیلاتی، وظیفه خود را بداند و بر اساس آن عمل کند.

تحقق اقتصاد مقاومتی در سایهٔ آموزه های اقتصاد اسلامی

گاهی در مسأله اقتصاد مقاومتی، منابع اسلامی در زمینه مقاومت مورد بررسی قرار می گیرد. حال وقتی منابع اسلامی را در مورد مقاومت مطالعه می کنیم به ابعاد مختلفی دست می یابیم و شاخه های مختلفی را مشاهده می کنیم از جمله اینکه در بحث اقتصاد مقاومتی می توان به مفاهیم متعدد و مختلف همچون قناعت و تعالیم دینی ..اشاره کرد.

لذا می توان در سیره پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله و سلم) و ائمه اطهار(علیهم السلام) مواردی را در مورد مقاومت و اقتصاد و در حقیقت زندگی خالی از تشریفات که در شرایط سخت قابل پیاده سازی باشند استخراج کرد.

بنابراین اگر ما به فقه اسلام بنگریم، می